

Sociological explanation of the impact of lifestyle on student uprisings and political movements (Case study: Razi University of Kermanshah)

Sajjad Kananinasab¹
Ali Roshanaei²
Ebrahim Mottaghi³
Aliyeh Shekarbeugi⁴
Khalil Mirzaei⁵

Received Date: 09 Jan 2021
Reception Date: 09 Apr 2021

The purpose of this study was to investigate the impact of lifestyle on the political uprisings and movements of students of college of social science of Razi University of Kermanshah; this is a descriptive-analytical study and the method of the study is survey; The present study is a quantitative research in terms of data type and Questionnaire was used for data collection and it is a field research. The statistical population of the study is students of Razi University of Kermanshah, that by Using Cochran formula, 321 people were considered as sample size and in order to decompose and analyze the data, SPSS software and factor analysis, regression and analysis of variance were used to achieve research results. The results of this study indicate that lifestyle influences the political uprisings and movements of students of College of Social Science of Razi University of Kermanshah. That is, the lifestyle focuses on individual and social factors affecting political uprisings and movements.

Keywords: lifestyle, political movements, students, Razi university, College of social science.

1. Ph.D student of Political Sociology, Unit of Science and Research, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sajadkanani333@gmail.com

2. Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Ashtiyani Unit, Markazi, Iran (Corresponding Author). Email: a.roshanaei@yahoo.com

3. Professor of Political Science, Tehran of University, Tehran, Iran. Email: emottaghi@ut.ac.ir

4. Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Center of Tehran unit, Tehran, Iran. Email: ashekarbeugi@ut.ac.ir

5. Associate Professor of Sociology, Islamic Azad University, Roudehen Unit, Tehran, Iran. Email: mirzaekhalilr@yahoo.com

تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سبک زندگی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه رازی کرمانشاه)

سجاد کنعانی نسب^۱ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

علی روشنایی^۲ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۰

ابراهیم متقی^۳ عالیه شکر بیگی^۴ خلیل میرزایی^۵

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر سبک زندگی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه انجام شده است؛ این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش انجام کار نیز پیمایش است؛ پژوهش حاضر از لحاظ نوع داده‌ها در گروه پژوهش‌های کمی و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده و از پژوهش‌های میدانی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه می‌باشد، که با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر حجم نمونه در نظر گرفته شده و در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها برای دست یافتن به نتایج پژوهش از نرم‌افزار spss و آزمون تحلیل عاملی، رگرسیون و آنالیز واریانس استفاده شده است. نتایج پژوهش گویای این موضوع است که سبک زندگی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه اثرگذار است. یعنی سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و عوامل اجتماعی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی اثرگذار است. واژگان کلیدی: سبک زندگی؛ جنبش‌های سیاسی؛ دانشجویان؛ دانشگاه رازی؛ دانشکده علوم اجتماعی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار جامعه‌شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکزی، ایران (نویسنده مسئول).

a.roshanaei@yahoo.com

۳. استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. استادیار جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۵. دانشیار جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

لیزر^۱ معتقد است سبک زندگی طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم است، نظامی است که از تأثیر فرهنگ (ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین) بر نیروهای زندگی در گروه شکل می‌گیرد (الفت و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰)؛ لذا نمی‌توان با توجه به تکرر در اندیشه‌ها و شکل زیستن انسان‌ها در جوامعی چون ایران سبک زندگی را امری فردی و غیراجتماعی برشمرد. «سبک زندگی در تعامل بین افراد و معنایی که ردوبدل می‌شود تجلی می‌یابد» (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). به عبارتی سبک زندگی معطوف به زیستن در اجتماع است و با تعاملات اجتماعی معنا می‌یابد. همچنانی که سبک زندگی بدون اجتماع معنایی را متبادر نمی‌شود، از فردیت و دیدگاه‌های فردی پایه می‌گیرد.

هابرماس^۲ معتقد است همه رویکردهای نوین سیاست‌گذاری به مصرف‌گرایی سیاسی، از جمله مدرنیته انعکاسی، جامعه مبتنی بر ریسک، جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه‌ای، حکمرانی و حکومت، سیاست‌های زندگی، ساخت روزمره و شهروندی متخصص که بیشتر آن‌ها به بررسی و درک سیاست‌های دموکراتیک در یک چارچوب سیاست‌گذاری خاص می‌پردازند، در واقع پیامدهای بالفعل متعلق به یک چارچوب فعالیت سیاسی هستند که قطب‌بندی و همگرایی، رویکرد چپ و راست و تضاد یا اجماع در منافع و هویت‌های متضاد برای دسترسی و به رسمیت شناختن تعامل سیاسی از اجزای آن می‌باشند (هابرماس، ۱۹۹۶؛ به نقل از خواجه سروی و طباحی ممقانی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

ثبات سیاسی یکی از مسائل مهم علم سیاست است. در رشته سیاست این مفهوم ملازم بسیاری از مباحث و تحقیقات گوناگون مخصوصاً مباحث مربوط به توسعه و نوسازی است. اندیشمندان زیادی بر این باورند که میان ثبات سیاسی و توسعه‌یافتگی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. مشخصه‌های توسعه‌یافتگی را نیز در مواردی مانند دموکراسی، مشارکت، مشروعیت، نهادسازی و عدالت ذکر می‌کنند؛ اما بسیاری از این اهداف ممکن است به راحتی به دست نیاید و دولت‌ها در این مسیر با انواع رویدادها مثل شورش‌ها، کودتا، ترورهای سیاسی، جنگ‌های داخلی و ... روبه‌رو شوند (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

در باب سیاست^۳ تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از این تعاریف عبارت است از:

تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند. این تدابیر به دو جزء تقسیم می‌شود: سیاست داخلی و سیاست خارجی. مناسبات بین طبقات و بین ملت‌ها در داخل یک کشور، جزئی از سیاست داخلی، و روابط بین دولت‌ها در عرصه جهانی، جزئی از سیاست خارجی شمرده می‌شود (آقا بخشی و افشاری، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۴). روی نوشتار حاضر معطوف به سیاست‌های داخلی می‌باشد که مولد افرادی موافق و یا مخالف با نظام حکومتی جمهوری اسلامی است.

بایندر معتقد است که اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد، باید پنج بحران را پشت سر بگذارد؛ «این پنج بحران عبارت‌اند از: بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع» او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های فوق به‌ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده‌اند (سیف زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۴). حال اگر دو فرض را در نظر داشته باشیم، فرض نخست ایران جزء کشورهای در حال توسعه است و فرض دوم ایران درگیر بحرانی از این بحران‌هاست. می‌توان به راحتی هویت جمهوری اسلامی را امری اثبات‌شده و بدون نیاز به توضیح اضافه دانست، مسئله مشارکت نیز در سال‌های پیش یعنی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ را در سطح بسیار مطلوبی برای یک نظام حکومتی برشمرد؛ اما از اغتشاشات یا جنبش‌های سیاسی ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی نمی‌توان دوگانگی نگرش را منکر شد. و این بحران یک بحران جدی برای حکومت جمهوری اسلامی به حساب می‌آید. مسئله نفوذ نیز در این پژوهش نمی‌تواند مورد بحث قرار گیرد؛ چراکه نفوذ حکومت جمهوری اسلامی را در سیاست‌های داخلی و خارجی نمی‌تواند انکار شود. بحران مشروعیت نیز در دوگانگی دیدگاهی مردم ایران یک بحران موجود است، چراکه وجود افرادی که نظام حکومت فعلی ایران را مشروع و یا نامشروع می‌دانند را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. و در نهایت بحران آخر که بحران توزیع می‌باشد، را نیز در این پژوهش نمی‌توان به آن پرداخت، چراکه بحث توزیع خارج از حوصله این نوشتار است.

وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر حاصل خشونت سیاسی ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها و عدم التزام به گفتگو است؛ وجود هر نوع از شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه مانع وصول به اجتماع کلی درباره اهداف زندگی سیاسی گردیده و از تکوین چارچوب‌های لازم برای

مشارکت سیاسی نیز جلوگیری می‌کند و به استقرار نظام سیاسی غیررقابتی یاری می‌رساند. این‌گونه شکاف‌ها ممکن است اقتصادی (طبقاتی) محلی و منطقه‌ای، قومی و فرهنگی باشد. قطعاً وجود چنین شکاف‌هایی از تکوین هویت ملی واحد نیز ممانعت به عمل می‌آورد (کوه‌جی، ۱۹۹۷: ۹۸). البته یک جامعه ممکن است به‌صورت ساختاری و بالقوه واجد شکاف‌هایی باشد ولیکن این شکاف‌ها فعال و سیاسی نشده باشند. شکاف‌ها و تعارضات اجتماعی تنها وقتی که به‌صورت قطب‌بندی‌های آشتی‌ناپذیر فکری و ایدئولوژیک در جامعه درآیند، مانع توسعه سیاسی می‌شوند.

اگر ساختار بیمارگونه احزاب سیاسی بهبود یابد، آسیب‌ها و موانع برطرف گردد احزاب سیاسی با گرم نمودن فضای انتخابات از طریق تبلیغات، مناظره، گفتگو و به بحث کشیدن مسائل مهم و مشکلات جدی و ارائه راهکارها، شهروندان بی‌تفاوت را تبدیل به شهروندانی مسئول و متحرک نموده باعث مشارکت بیشتر مردم در انتخابات شده و یکی از زمینه‌های تحقق توسعه سیاسی را فراهم می‌نمایند (مقتدایی و زیباکلام، ۱۳۹۳: ۸).

حال با توجه به تشریح موارد متعدد در سطرهای پیشین پژوهش حاضر، می‌توان بر این باور تأکید نمود که برای رفع شکاف و دوگانگی انگاره مردم در باب نظام سیاسی و حکومت جمهوری اسلامی، نیاز به ابراز نظرها و اعتراضات مسالمت‌آمیز به‌دوراز تنش و نزاع در دو گروه موافق و مخالف جمهوری اسلامی در ایران بیش‌ازپیش احساس می‌گردد. حال شکل این اعتراض‌ها، جنبش‌ها و خیزش‌ها اگر در چارچوب قانون باشد به نتایج بهتری خواهد رسید. اما انکار شکاف موجود نمی‌تواند مسئله و بحران مشارکت یا مشروعیت را حل نماید. لذا این پژوهش در پی واکاوی این مسئله است که سبک زندگی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان یا به عبارت بهتر، مشارکت‌های ساختاری سیاسی دانشجویان اثرگذار است یا خیر؟

۱. مروری بر سوابق و پیشینه نظری

از دیدگاه «سویل»، سبک زندگی عبارت است از: «هر شیوه متمایز قابل تشخیص زیستن» (چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱: ۲۴). «سولومون» اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است (رسولی، ۱۳۸۲: ۵۴). به نظر «آرتور آسابرگر» برای تعریف اصطلاح

سبک زندگی با واژه فراگیری روبه‌رو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و حتی دیدگاه سیاسی و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می‌کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است. برداشت «گیدنز» از مقوله سبک زندگی عبارت است از: تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آن‌ها را انتخاب کرده و کنش‌های آن‌ها در زندگی روزمره به‌واسطه آن‌ها هدایت می‌شود (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۱). لذا نمی‌توان دیدگاه اپوزیسیون و با حکومت در عاملیت قدرت بودن را جزئی جداشده از سبک زندگی دانست. چراکه افرادی که دارای دیدگاه‌های سیاسی مخالف یا موافق با حکومت هر کشوری هستند، بدون تردید شیوه زندگی متفاوتی از هم دارند.

جنسن^۵ (۲۰۰۷: ۱۱) معتقد است که بیشتر اوقات مفهوم سبک زندگی بدون آن‌که به‌طور دقیق معنای روش زندگی را بدهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ادبیات، این واژه به روش‌های مختلف تعریف شده و این‌که در چهار سطح جهانی، ملی، منطقه‌ای، و فردی قابل اندازه‌گیری است.

تاریخچه نظریه‌پردازی پیرامون توسعه سیاسی به معنای دموکراسی به یونان باستان می‌رسد. اگرچه فلاسفه سیاسی یونان باستان یعنی سقراط، افلاطون و ارسطو با رویکردی منفی، نظام سیاسی دموکراسی را مورد انتقاد قرار دادند اما همین مخالفت‌ها و موافقت‌ها، زمینه را برای ماندگاری اندیشه دموکراسی مهیا نمود تا پس از گذشت سده‌های میانه و پیدایش نظام‌های سیاسی نمایندگی دوباره سخن از حکومت مردم و دموکراسی به میان آید. بعدها اندیشه سیاسی جان لاک، ژان ژاک روسو و دیگر اندیشمندان جدید، رونق ویژه‌ای به تئوری‌های سیاسی بخشیدند و در سده هجدهم، روشنفکران فرانسوی با طرح پروژه «پیشرفت» که در واقع زمینه‌ساز انقلاب فرانسه بود، بسترهای تئوریک و اجتماعی را برای طرح تئوری‌های توسعه و توسعه سیاسی فراهم نمودند (وفائی، ۱۳۹۳: ۷۷).

توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است. هراندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد (پارک، ۱۹۸۴، ۴: ۴۴). حال با این دوگانگی نگرش موجود در رفتار اجتماعی مردم ایران

در باب مقبولیت یا رد نظام سیاسی توسعه سیاسی در ایران بیش از پیش دشوار خواهد شد و شاید تنها به نوسازی سیاسی منجر گردد. چراکه می‌توان نوسازی را چنین تعریف کرد «نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجمعات سیاسی اشاره می‌کند، درحالی‌که توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد» (بانل، ۲۰۱۰: ۵۶). اما توسعه سیاسی بدون یکپارچگی در مقبولیت نظام حکومتی ناممکن به نظر می‌رسد. لذا بررسی این پژوهش دارای اهمیت ویژه‌ای است و اهمیت توسعه سیاسی نیز بر اهالی قلم و اندیشه پوشیده نیست.

همچنین درحالی‌که نوسازی سیاسی با جنبه‌های روئینایی توسعه سروکار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. سه عامل سازمان، کارایی، تعقل عملی و همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را از لوازم توسعه سیاسی دانسته‌اند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۸). توسعه سیاسی نیازمند یکپارچگی نظام اندیشه‌ای عوام، روشنفکران و سیاسیون در مورد حکومت حاکم بر کشور می‌باشد. این تکتک که شکافی عمیق را در جامعه کنونی ایران به نمایش گذاشته است اصلی‌ترین مانع توسعه سیاسی به حساب می‌آید.

انتخابی بودن نهادهای سیاسی نیز یکی از رویه‌های مهم توسعه سیاسی به حساب می‌آید؛ این امر بدان معناست که اولاً منشأ قدرت در قاعده و پایه جامعه به رسمیت شناخته می‌شود. ثانیاً این حق به رسمیت شناخته می‌شود که این قدرت پایه‌ای حاکمیت بر خویش را در دست بگیرد. ثالثاً برای اعمال حاکمیت یک مکانیسم تفویض نمایندگی تعیین می‌شود (کلارک، ۲۰۱۲: ۱۲۳). یعنی وجود انتخاب برای مردم در صورتی که به مقبولیت اکثریت منجر گردد یکی از پایه‌های اساسی توسعه سیاسی است.

نظارت مردم بر نهادهای سیاسی نیز در منشأ دموکراسی و عاملی از مشارکت سیاسی مؤثر محسوب می‌شود؛ جامعه باید بتواند با نهادینه کردن، حوزه سیاسی را به حدی برساند که اولاً؛ نهادهای این حوزه را بتوان همچون اشخاص به زیر سؤال برد و بازخواست کرد و در صورت احراز شدن خطایشان مورد مجازات قرارداد. ثانیاً؛ آن‌ها در برابر مردم مسئول باشند و حق مردم باشد که به تعقیب و مجازات این نهادها و مسئولین پردازد از طرفی همه نهادهای حوزه سیاسی به دلیل انتخابی بودنشان قابل تغییر هستند (رحیمی، ۱۳۷۷: ۷). اما این جنبش‌ها و خیزش‌ها ناشی از وجود دموکراسی در ایران است یا خیر؟ به عبارتی دیگر جنبش‌های اعتراضی به نظام سیاسی ایران در پس توسعه سیاسی است یا در پیش از توسعه سیاسی می‌باشد؟

اما توسعه سیاسی را نباید تنها در «قابلیت تغییر» مشاهده کرد، بلکه منطقاً باید خود تغییر را نیز شاهد بود. مهم‌ترین تغییرات باید در آنچه به «چرخش نخبگان» معروف است دیده شود، به این معنا که هیچ شخصیت حقیقی به صورت درازمدت در هیچ مقامی به جز مواردی استثنایی که پای وحدت و هویت ملی مطرح است، باقی نماند. محدود بودن قانونی دوره‌های نمایندگی برای مثال برای رؤسای جمهوری از مکانیسم‌های بسیار مفیدی است که می‌تواند توسعه سیاسی را تضمین کند (قاضی، ۱۳۷۵: ۹۶). و دیدگاه‌های دیگری که همگی شکاف اندیشه‌ها را روشن می‌سازد. یا اختلاف دیدگاه‌هایی که متضمن وضعیت دوگانه در تقابل با اندیشه نظام جمهوری اسلامی است. که می‌تواند به خشونت سیاسی نیز منجر گردد؛ خشونت سیاسی خشونتی است که در چارچوب سازوکارهای قدرت قابل تحلیل و تبیین باشد. زیرا خشونت سیاسی پدیده‌ای است چندبعدی. در یک‌طرف این خشونت دولت با قوه قهریه حضور دارد. لذا نتیجه خشونت سیاسی می‌تواند بروز شکاف‌هایی گردد که رفع و صلح آن‌ها غیرممکن گردد.

باقی (۱۳۸۳) جنبش دانشجویی از زمان تأسیس دانشگاه تهران تا زمان پیروزی انقلاب را بررسی کرده، وی نشان می‌دهد که چگونه دانشجویان به سمت هویت مذهبی جذب شدند. یزدی (۱۳۹۴) تأثیر سه جریان کمونیستی، ملی، و اسلامی، را بر هویت جنبش دانشجویی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ بررسی کرده است. فراستخواه (۱۳۸۸)، تأثیر ساختارهای آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را بر جنبش‌های دانشجویی بررسی کرده و مورد مطالعه قرار داده است. نیکبخت (۱۳۸۱) جنبش دانشجویی را در تبریز بررسی و به تلاش‌های حکومت برای ایجاد هویت مشروع در میان دانشجویان و مخالفت آن‌ها با این هویت اشاره می‌کند. جمنا و کارلرو^۹ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته‌اند. ضیا ظریفی (۱۳۷۸) ضمن بررسی وضعیت دانشگاه تهران در دوره پهلوی به فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در این دانشگاه اشاره کرده، نشان می‌دهد که آن‌ها تحت تأثیر چه تفکراتی، مبارزات خود را دنبال می‌کردند. امجدی (۱۳۸۳) گروه‌های مبارز هفت‌گانه دانشجویی در دهه ۱۳۵۰ را بررسی کرده، و چگونگی سرخوردگی این

جریان‌ها از گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق و تلاش برای ایجاد هویت اسلامی بدون التقاط را نشان داده است. عبدی (۱۳۹۳) جنبش دانشجویی را در دانشگاه پلی تکنیک بررسی و چگونگی جذب دانشجویان رشته‌های فنی به فالیت‌های رادیکال را روایت می‌کند.

۲. فرضیه‌های تحقیق

- ۱-۲. فرضیه اول: سبک زندگی معطوف به عوامل فردی، بر مشارکت در خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه اثرگذار است.
- ۲-۲. فرضیه دوم: سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی، بر مشارکت در خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه اثرگذار است.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش انجام کار نیز پیمایش است؛ پژوهش حاضر از لحاظ نوع داده‌ها در گروه پژوهش‌های کمی می‌باشد. در جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده می‌گردد. پرسشنامه ساخته محقق و متناسب با فرضیه‌های پژوهش طراحی و در بین جامعه نمونه توزیع شده و نتایج مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز کلیه دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه می‌باشد؛ تعداد دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی ۱۹۳۵ نفر است که در سه مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حال تحصیل هستند. تعداد ۱۴۶۵ نفر دانشجوی کارشناسی، ۳۷۴ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۹۶ نفر دانشجوی دکتری هستند. شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۱ نفر حجم نمونه در نظر گرفته شده است. در راستای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز برای پژوهش از پرسشنامه ۳۸ سؤالی استفاده شده و در جهت اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه تدوین شده در بین ۱۱ نفر از اساتید و صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی توزیع گشته است و پس از بررسی برای میزان اعتماد به نتایج حاصل از پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که عدد ۰/۷۹ را نشان می‌دهد و با توجه به آلفای کرونباخ که بالاتر از ۰/۷ می‌توان بر این باور بود که پایایی این پرسشنامه در سطح مطلوب و بالایی برخوردار است. در این پژوهش برای سنجش فرضیات

از سنجه‌پذیری گویه‌ها استفاده‌شده؛ همچنین از آزمون‌های تحلیل واریانس، همبستگی چندگانه و رگرسیون چندگانه بر اساس کفایت داده‌ها استفاده‌شده، و برای تست نهایی از واریانس دوطرفه بین آزمودنی‌ها استفاده‌شده که نتایج خوبی به همراه داشته است.

ضمن این‌که شیوه و هدف طرح سؤالات مربوط به پرسشنامه در جدول (۱) و (۲) تشریح شده است.

۴. تحلیل متغیرهای تحقیق

جدول (۱) و (۲) به ترتیب دو متغیر مستقل اصلی سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی را تشریح و دسته‌بندی نموده است. و متغیرهای فردیت، مذهب، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد را به صورت کامل تشریح نموده و مؤلفه‌ها و سنجه‌های این متغیرها را همراه با توضیحات لازم ارائه داده است.

جدول (۱) تحلیل متغیر سبک زندگی معطوف به عوامل فردی

متغیرهای مستقل	مؤلفه‌ها	سنجه‌ها	توضیحات
فردیت	جنسیت	مرد یا زن متاهل یا مجرد	به‌نوعی میزان تأثیرپذیری از جنسیت و تأهل مقصود سنجش است.
	مواد مخدر	مواد مخدر مشروبات الکلی سیگار	تریاک، حشیش و ... میزان استفاده از مشروب یا سیگار و نوع استفاده
		قرص‌های روان‌گردان	شیشه، کرک، اکس و ...
دوستان	ورزش	تناسب‌اندام ورزش حرفه‌ای	تناسب‌اندام ناشی از ورزش یا غیرورزشی، عدم اضافه‌وزن دارای رشته تخصصی درگیری بیش از روزانه ۲ ساعت با ورزشی خاص دارای مدال یا حکم قهرمانی یا عضویت در یک تیم حرفه‌ای
		روابط صمیمی	گذراندن وقت زیاد با دوستان مسافرت رفتن با دوستان
		روابط کاری و تحصیلی	دارای روابط محدود و معطوف به دانشگاه دارای روابط محدود و معطوف به کار
بدن	پوشش	پوشش	پوشش امروزی و معطوف به سلیقه فردی پوشش رسمی و اداری
	مدگرایی	مدگرایی	پوشیدن لباس‌هایی بارنگ، مدل و شکل پوشش معطوف به مد
	حجاب	حجاب	رعایت حجاب به شکل معمول رعایت حجاب اسلامی عدم پوشش حجاب‌مند
مذهب	دین	نوع دین فرم انتخاب دین	اسلام، مسیح، یهود، زرتشت و ... انتخاب فردی یا معطوف به خانواده
	اعتقاد	اعتقاد به دین شرکت در مراسم دینی	دارای التزام به دین یا بی‌دین بودن
		در قید دین بودن تفکر انتقادی در باب دین	شرکت یا عدم شرکت در مراسم‌های دینی و مذهبی مقید به اصول دینی و دارای تفکر دین‌مدار بودن نقد فرائض دینی و گرایش به دین فردی یا صرفاً اخلاق‌مدار بودن

جدول (۲) تحلیل متغیر سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی

متغیرهای مستقل	مؤلفه‌ها	سنجه‌ها	توضیحات
	طبقه اجتماعی	طبقه بالا طبقه متوسط طبقه فرودست	تنظیم طبقه اجتماعی کاری دشوار می‌باشد، اما نوع شغل، وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی را برای تعیین طبقه اجتماعی مورد ارزیابی قرار داده شده است.
اجتماع	جایگاه اجتماعی	معطوف به شغل یکی از اعضای خانواده معطوف به خانواده معطوف به اقتصاد	شغل‌هایی چون (پزشک، قاضی و...) که جایگاه اجتماعی را ارتقاء می‌دهد. و شغل‌هایی که موجب تنزل جایگاه اجتماعی می‌شوند. از خاندان و خانواده‌های (خان‌ها و...) درآمد، املاک، زمین کشاورزی و...
	وابستگی اجتماعی	معطوف به شغل معطوف به پیشینه	شغل‌های وابسته به نظام جمهوری اسلامی (روحانیت، سپاه پاسداران و...) جانباز، خانواده شهدا، اسیران جنگ تحمیلی، انقلابی بودن و...
	زبان	گویش لهجه	فارسی، کردی، ترکی و... لکی، لری، و...
فرهنگ	قومیت	شهر طایفه یا قوم	شهروند شهری بودن فارس، کرد، ترک و...
	موسیقی	نوع استفاده دانش موسیقایی	سنتی، پاپ، رپ یا راک صرفاً شنونده، نوازنده یا آگاه به علم موسیقی
	وضعیت اشتغال	دارای اشتغال یا بی‌کار	کارمند، بی‌کار، آزاد و یا صرفاً دانشجوی
اقتصاد	تمکن مالی	وضعیت اقتصادی خوب فرد وضعیت خوب اقتصادی خانواده	نوع خانه، نوع ماشین، میزان حقوق ماهیانه، پس‌انداز و... نوع خانه، نوع ماشین، میزان حقوق ماهیانه، پس‌انداز و... پدر و مادر

۵. تحلیل داده‌ها

در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های برای دست یافتن به نتایج پژوهش از نرم‌افزار spss استفاده می‌شود. جهت تعیین پایایی مقیاس‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضمن این‌که داده‌های موجود در جدول (۳) گویای سطح بالای پایایی مؤلفه‌ها و متغیرهای مشارکت سیاسی، فردیت، مذهب، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد می‌باشد.

جدول (۳) ضرایب پایایی ابزارهای پژوهش

ضریب آلفای کرونباخ	پرسشنامه و خرده مقیاس
۰/۸۴	مشارکت سیاسی
۰/۷۹	سبک زندگی معطوف به عوامل فردی
۰/۷۳	سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی

۶. آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های فرعی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش و استفاده از آزمون‌های آماری ابتدا باید مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار هستند یا غیر نرمال، چراکه در صورت نرمال بودن توزیع داده‌ها، برای آزمون فرضیه‌ها باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود. و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون‌های نا پارامتریک باید استفاده گردد. برای این منظور در این تحقیق از آزمون کلموگروف-اسمیرنف^۱ برای بررسی نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است. با توجه به این که ضریب به دست آمده به صورت میانگین ۰/۰۰۰ است و این سطح معناداری برای تمام مؤلفه‌ها کوچک‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است در نتیجه این متغیرها دارای توزیع غیر نرمال هستند؛ لذا باید از آزمون‌های نا پارامتریک استفاده نمود.

فرضیه اول: سبک زندگی معطوف به عوامل فردی، بر مشارکت در خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه اثرگذار است.

همان‌گونه که از پیش مشخص شده است سبک زندگی معطوف به عوامل فردی شامل ۷ مؤلفه جنسیت، مواد مخدر، ورزش، دوستان، بدن، دین و اعتقاد؛ و مشارکت سیاسی شامل ۲ مؤلفه شرکت در جنبش‌های موافق با نظام حکومتی جمهوری اسلامی و شرکت در جنبش‌های مخالف با نظام حکومتی جمهوری اسلامی، می‌باشد. یعنی برای تحلیل و بررسی تأثیر داشتن سبک زندگی بر مشارکت سیاسی لازم است از تحلیل عاملی استفاده شود، با تأکید بر این موضوع که تحلیل عاملی رویکردی صحیح جهت دریافت نتیجه فرضیه اول است. چراکه تحلیل عاملی تکنیکی است که برای تقلیل داده‌ها کاربرد دارد و تعدادی از متغیرها را به عاملی مهم تبدیل می‌کند. بررسی ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که مقادیر قابل ملاحظه‌ای از همبستگی‌ها بیشتر از ۰/۳ است. نتایج آزمون کرویت Bartlett معنادار

است چراکه مقدار معناداری آن ۰/۰۲ می‌باشد. میزان کفایت نمونه‌گیری در جدول شماره (۴) نمایش داده شده است.

جدول (۴) میزان کفایت نمونه‌گیری

متغیر	جنسیت	مواد مخدر	ورزش	دوستان	بدن	دین	اعتقاد	جنبش‌های موافق	جنبش‌های اعتراضی
Anti-image correlation	۰/۸۹۳	۰/۷۳۹	۰/۶۴۲	۰/۷۹۸	۰/۸۸۹	۰/۸۳۱	۰/۵۶۶	۰/۶۷۹	۰/۷۲۱

با توجه به جدول شماره (۴) که نشان می‌دهد تمام آیت‌های کفایت نمونه‌گیری دارای اندازه بیش‌تر از ۰/۵ می‌باشند. یعنی دارای سطح قابل قبولی برای انجام آزمون می‌باشند. در جدول شماره (۵) ماتریس عاملی^{۱۱} از بارها یا همبستگی‌های میان متغیرها و عامل‌ها است. متغیرهای خالص دارای بارهای عاملی خالص دارای بارهای عاملی ۰/۳ یا بیشتر تنها روی یک عامل هستند. متغیرهای پیچیده دارای بارهای زیاد روی بیش از یک عامل هستند که تفسیر خروجی را دشوار می‌سازند.

جدول (۵) ماتریس عاملی

متغیر	فاکتور ۱	فاکتور ۲
جنسیت	۰/۳۰۱	۰
مواد مخدر	۰/۳۰۲	۰
دوستان	۰/۳۴۱	۰
ورزش	۰/۳۳۱	۰
بدن	۰/۳۱۲	۰
دین	۰/۳۴۱	۰
اعتقاد	۰/۳۱۴	۰
جنبش‌های اعتراضی	۰	۰/۳۰۹
جنبش‌های موافق	۰	۰/۳۰۳

عامل اول که همان عوامل فردی است دارای بارهای عاملی بین ۰/۳۰۱ تا ۰/۳۴۱ می‌باشد. بررسی این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه دوستان و دین بیش از سایر مؤلفه‌های عوامل فردی بر مشارکت سیاسی اثرگذار است. جدول شماره (۶) نتایج همبستگی دوران وایرماکس را نمایش داده است. ضمن این‌که نتایج همبستگی اریب در جدول شماره (۷) نشان داده شده است. که می‌تواند سطح همبستگی عامل‌ها را در ماتریسی مشخص نشان دهد.

جدول (۶) همبستگی دوران وایرماکس

متغیر	فاکتور ۱	فاکتور ۲	فاکتور ۳
جنبش اعتراضی	۰/۳۹۳	۱/۰۰۰	
جنبش موافق	۱/۰۰۰	۰/۳۹۳	
عوامل فردی			۰/۳۹۳

جدول (۷) همبستگی دوران اریب

متغیر	فاکتور ۱	فاکتور ۲	فاکتور ۳
جنبش اعتراضی	۰/۱۸۹	۱/۰۰۰	
جنبش موافق	۱/۰۰۰	۰/۱۸۹	
عوامل فردی			۰/۱۸۹

چون نتایج همبستگی دوران اریب از ۰/۲ کم‌تر است از نتایج همبستگی دوران وایرماکس استفاده می‌گردد. و نتایج نشان می‌دهد که همبستگی در سطح مناسبی است و به این معناست که عوامل فردی بر مشارکت سیاسی اثرگذار است.

فرضیه دوم: سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی، بر مشارکت در خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه اثرگذار است. همان‌گونه که از پیش مشخص شده است سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی شامل ۸ مؤلفه طبقه اجتماعی، جایگاه اجتماعی، وابستگی اجتماعی، زبان، قومیت، موسیقی،

وضعیت اشتغال و تمکن مالی؛ و مشارکت سیاسی شامل ۲ مؤلفه شرکت در جنبش‌های موافق با نظام حکومتی جمهوری اسلامی و شرکت در جنبش‌های مخالف با نظام حکومتی جمهوری اسلامی می‌باشد. یعنی برای تحلیل و بررسی تأثیر داشتن سبک زندگی بر مشارکت سیاسی لازم است از تحلیل عاملی استفاده شود. با تأکید بر این موضوع که تحلیل عاملی رویکردی صحیح جهت دریافت نتیجه فرضیه اول است. چراکه تحلیل عاملی تکنیکی است که برای تقلیل داده‌ها کاربرد دارد و تعدادی از متغیرها را به عاملی مهم تبدیل می‌کند. بررسی ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که مقادیر قابل ملاحظه‌ای از همبستگی‌ها بیشتر از ۰/۳ است. نتایج آزمون کرویت Bartlett معنادار است چراکه مقدار معناداری آن ۰/۰۲ می‌باشد. میزان کفایت نمونه‌گیری در جدول شماره (۸) نمایش داده شده است.

جدول (۸) میزان کفایت نمونه‌گیری

متغیر	Anti-image correlation
طبقه اجتماعی	۰/۷۳۲
جایگاه اجتماعی	۰/۷۷۲
وابستگی اجتماعی	۰/۷۳۱
زبان	۰/۶۶۹
قومیت	۰/۶۲۱
موسیقی	۰/۶۳۱
وضعیت اشتغال	۰/۷۰۱
تمکن مالی	۰/۷۲۱
جنبش‌های موافق	۰/۷۳۲
جنبش‌های اعتراضی	۰/۷۷۲

با توجه به جدول (۸) که نشان می‌دهد تمام آیتم‌های کفایت نمونه‌گیری دارای اندازه بیش‌تر از ۰/۵ می‌باشند. یعنی دارای سطح قابل قبولی برای انجام آزمون می‌باشند. در جدول شماره (۹) ماتریس عاملی^{۱۲} از بارها یا همبستگی‌های میان متغیرها و عامل‌ها است. متغیرهای خالص دارای بارهای عاملی خالص دارای بارهای عاملی ۰/۳ یا بیشتر تنها روی یک عامل هستند. متغیرهای پیچیده دارای بارهای زیاد روی بیش از یک عامل هستند که تفسیر خروجی را دشوار می‌سازند.

جدول (۹) ماتریس عاملی

متغیر	فاکتور ۱	فاکتور ۲
طبقه اجتماعی	۰/۳۰۲	۰
جایگاه اجتماعی	۰/۳۲۱	۰
وابستگی اجتماعی	۰/۳۵۴	۰
زبان	۰/۳۳۰	۰
قومیت	۰/۳۰۳	۰
موسیقی	۰/۳۱۱	۰
وضعیت اشتغال	۰/۳۱۳	۰
تمکن مالی	۰/۳۰۸	۰
جنبش‌های اعتراضی	۰	۰/۳۱۱
جنبش‌های موافق	۰	۰/۳۱۳

عامل اول که همان عوامل اجتماعی است دارای بارهای عاملی بین ۰/۳۰۲ تا ۰/۳۵۴ می‌باشد. بررسی این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که وابستگی اجتماعی بیش از سایر مؤلفه‌های عوامل اجتماعی در مشارکت سیاسی اثرگذار است. در جدول شماره (۱۰) نتایج همبستگی دوران وایرماکس را نمایش داده است. ضمن این‌که نتایج همبستگی اریب در جدول شماره (۱۱) نشان داده شده است. که می‌تواند سطح همبستگی عامل‌ها را در ماتریسی مشخص نشان دهد.

جدول (۱۰) همبستگی دوران وایرماکس

متغیر	فاکتور ۱	فاکتور ۲	فاکتور ۳
جنبش اعتراضی	۰/۳۹۳	۱/۰۰۰	
جنبش موافق	۱/۰۰۰	۰/۳۹۳	
عوامل اجتماعی			۰/۳۹۳

جدول شماره (۱۱) همبستگی دوران اریب

متغیر	فاکتور ۱	فاکتور ۲	فاکتور ۳
جنبش اعتراضی	۰/۱۸۹	۱/۰۰۰	
جنبش موافق	۱/۰۰۰	۰/۱۸۹	
عوامل اجتماعی			۰/۱۸۹

چون نتایج همبستگی دوران اریب از ۰/۲ کم تر است از نتایج همبستگی دوران وایر ماکس استفاده می گردد. و نتایج نشان می دهد که همبستگی در سطح مناسبی است و به این معناست که عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی اثر گذار است.

۷. پیش بینی مشارکت سیاسی

پژوهش حاضر سعی در بررسی این موضوع دارد، که مشارکت سیاسی به وسیله سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و اجتماعی قابل پیش بینی است. تحلیل رگرسیون چندگانه ترتیبی است بعد از همبستگی. تحلیل رگرسیون زمانی استفاده می شود که بخواهیم مقادیر یک متغیر را از روی مقادیر متغیر دیگر پیش بینی کنیم. در این مورد، متغیری که ما از آن بهره می گیریم تا مقدار متغیر دیگر را پیش بینی کنیم متغیر مستقل (یا پیش بین) نام دارد. متغیری را هم که می خواهیم پیش بینی کنیم متغیر وابسته (یا ملاک) نام دارد.

جدول (۱۲) مدل Summary

متغیر	مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین چندگانه (R Square)	خطا
مشارکت / سبک زندگی	۱	۰/۹۲۲	۰/۸۵۰	۳/۰۵۹

با توجه به خروجی تحلیل رگرسیون مقادیر بزرگ R همبستگی قوی را نشان می دهد. و مقادیر R^2 (R Square) نشان از خوب بودن مدل است. با توجه به جدول شماره (۱۲) متغیرها با هم ۸۵ درصد واریانس متغیر وابسته را بیان می کند.

جدول شماره (۱۳) آزمون ANOVA

مجموع مربعات	Df	میانگین مربعات	F	Sig	
بین دو گروه	۲۵۰۲/۳۹۰	۹۱	۱۲۵۱/۱۹۵	۳۴/۰۸۱	۰/۰۰۳
مشارکت سیاسی	۴۴۰/۵۴۳	۹۱	۳۶/۷۱۲		
جمع	۲۹۴۲/۹۳۳	۱۸۲			

با توجه به مقدار $F=081/34$ و مقدار معناداری $sig=003/0$ در جدول شماره (۱۳) معنادار است و شرط (کوچک‌تر از $0/05$) برقرار است.

جدول (۱۴) نتیجه رگرسیون چندگانه

مدل	B	Error	Beta	T	Sig
مشارکت سیاسی	۰/۰۲۹	۵/۱۲۶		۰/۳۹۶	۰/۶۹۹
عوامل فردی	۱۰/۵۰۰	۳/۲۶۲	۰/۹۱۶	۳/۲۱۹	۰/۰۱۷
عوامل اجتماعی	۰/۰۵۷	۲/۶۱۳	۰/۰۰۶	۱/۰۲۲	۰/۰۱۹

با توجه به مقدار t در جدول شماره (۱۴) برای متغیر ابعاد افزار که عدد $3/219$ را نشان می‌دهد و معناداری $0/017$ که شرط لازم را دارد، می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که متغیر مشارکت سیاسی به وسیله سبک زندگی معطوف به عوامل فردی قابل پیش‌بینی است. ضمن این‌که با توجه به مقدار t برای متغیر عوامل اجتماعی که عدد $1/022$ را نشان می‌دهد و معناداری $0/019$ که شرط لازم را دارد، می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که متغیر مشارکت سیاسی به وسیله سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی نیز قابل پیش‌بینی است.

۸. بررسی تفاوت سبک زندگی در نوع مشارکت سیاسی جدول شماره (۱۵) به شکلی مقایسه‌ای نشان می‌دهد که سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و سبک زندگی معطوف به عوامل اجتماعی بر نوع مشارکت سیاسی به چه شکلی اثرگذار بوده و به‌منظور بررسی این تفاوت از آزمون آنالیز واریانس دوطرفه بین گروه‌ها استفاده شده است.

جدول (۱۵) آزمون آنالیز واریانس دوطرفه بین گروه‌ها

Sig	اعتراضی	Sig	جنبش موافق	مؤلفه
۰/۰۰۰	دارد	۰/۵۱۱	ندارد	جنسیت
۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۶۱	ندارد	مواد مخدر
۰/۰۰۱	دارد	۰/۰۵۳	ندارد	دوستان
۰/۰۵۵	ندارد	۰/۰۹۳	ندارد	ورزش
۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۰	دارد	بدن
۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۰	دارد	دین
۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۰	دارد	اعتقاد
۰/۰۸۱	ندارد	۰/۰۶۰	ندارد	طبقه اجتماعی
۰/۰۵۷	ندارد	۰/۱۰۲	ندارد	جایگاه اجتماعی
۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۱	دارد	وابستگی اجتماعی
۰/۰۶۹	ندارد	۰/۰۶۳	ندارد	زبان
۰/۱۰۰	ندارد	۰/۰۵۵	ندارد	قومیت
۰/۰۶۶	ندارد	۰/۱۰۰	ندارد	موسیقی
۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۳	دارد	وضعیت اشتغال
۰/۲۱۰	ندارد	۰/۰۹۰	ندارد	تمکن مالی

نتیجه‌گیری

ماحصل پژوهش حاضر نشان از این موضوع دارد که سبک زندگی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه اثرگذار است. یعنی سبک زندگی معطوف به عوامل فردی و عوامل اجتماعی بر خیزش‌ها و جنبش‌های سیاسی اثرگذار است. اما مقایسه گروه‌هایی که در تظاهرات اعتراضی و جنبش‌های موافق با نظام جمهوری اسلامی مشارکت دارند گویای این موضوع می‌باشد که:

- جنسیت (مرد یا زن؛ متأهل یا مجرد)؛ جنسیت تفاوت ویژه‌ای را در نوع مشارکت در جنبش‌های اعتراضی یا موافق با نظام حکومتی به دست نمی‌دهد، اما افراد متأهل کمتر از افراد مجرد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.

- مواد مخدر (مواد مخدر؛ مشروبات الکلی؛ سیگار؛ قرص‌های روان‌گردان)؛ افرادی که از مشروبات الکلی استفاده نموده‌اند بیشتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.
- دوستان (روابط صمیمی؛ روابط کاری و تحصیلی)؛ افرادی که دارای روابط دوستی صمیمی بیشتری هستند بیشتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.
- ورزش (تناسب‌اندام؛ ورزش حرفه‌ای)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.
- بدن (پوشش؛ مدگرایی؛ حجاب)؛ افرادی که حجاب را در چارچوب موازین اسلامی رعایت نمی‌کنند بیشتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.
- دین (نوع دین؛ فرم انتخاب دین)؛ افرادی که مسلمان هستند کمتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.
- اعتقاد (اعتقاد به دین؛ شرکت در مراسم دینی؛ در قید دین بودن؛ تفکر انتقادی در باب دین)؛ افرادی که بیشتر دارای تفکر انتقادی نسبت به دین هستند، کمتر در مراسمات دینی شرکت داشته‌اند و به دین خاصی معتقد نیستند بیشتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.
- طبقه اجتماعی (طبقه بالا؛ طبقه متوسط؛ طبقه فرودست)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.
- جایگاه اجتماعی (معطوف به شغل یکی از اعضای خانواده؛ معطوف به خانواده؛ معطوف به اقتصاد)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.
- وابستگی اجتماعی (معطوف به شغل؛ معطوف به پیشینه)؛ افراد با میزان وابستگی اجتماعی بالا کمتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.
- زبان (گوش؛ لهجه)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.
- قومیت (شهر؛ طایفه یا قوم)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.

- موسیقی (نوع استفاده؛ دانش موسیقایی)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.

- وضعیت اشتغال (دارای اشتغال یا بی‌کار)؛ افراد بی‌کار بیشتر از سایر افراد در جنبش‌های اعتراضی شرکت داشته‌اند.

- تمکن مالی (وضعیت اقتصادی خوب فرد؛ وضعیت خوب اقتصادی خانواده)؛ این مؤلفه تأثیری بر نوع مشارکت سیاسی به دست نمی‌دهد.

پی‌نوشت

1. Liser
2. Habermas
3. Politics
4. Koh.G
5. Jensen
6. Park
7. Bunell
8. clark
9. Jemna & Curelaru
10. K-S
11. Factor Matrix
12. Factor Matrix

کتابنامه

الف: فارسی

۱. آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۷). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
۲. الفت، سعیده و سالمی، آزاده (۱۳۹۱). «مفهوم سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات سبک زندگی. شماره ۱، پاییز.
۳. امجدی، جلیل (۱۳۸۳). تاریخ شفاهی گروه‌های مبارز هفت‌گانه مسلمان. تهران: مرکز انقلاب اسلامی.
۴. باقی، عمادالدین (۱۳۸۳). جنبش دانشجویی ایران: از آغاز تا انقلاب اسلامی. تهران: شرکت حکایت قلم نوین.
۵. باینگانی، بهمن؛ ایران‌دوست، سید فهیم و سینا احمدی (۱۳۹۲). «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی». فصلنامه مهندسی فرهنگی. سال هشتم، شماره ۷۷.
۶. بشریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی ایران. تهران: نشر گام نو.
۷. چاوشیان، حسن، اباذری، یوسف (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ص ۲۴.
۸. خواجه سروی، غلامرضا و طباحی ممقانی، جواد (۱۳۹۲). «جهانی شدن سبک زندگی و تقاضای دگرگونی سیاسی». مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره چهارم، شماره ۱۰، صص ۱۶۰-۱۳۱.
۹. خوشنویس، ناهید (۱۳۸۹). «رسانه و سبک زندگی». ماهنامه روابط عمومی ایران، شماره ۷۳.
۱۰. رحیمی، رضا (۱۳۷۷). جامعه‌پذیری مقدمه توسعه سیاسی. جامعه سالم، چاپ پنجم.
۱۱. رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲). «بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون». مجله علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۲. سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۶). نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: قومس.
۱۳. ضیا ظریفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). سازمان دانشجویان دانشگاه تهران. تهران: شیرازه.
۱۴. عبدی، عباس (۱۳۹۳). جنبش دانشجویی پلی تکنیک. تهران: نشر نی.
۱۵. عمرانی، ابوذر؛ کوشکی، امین و حسین انصاری فرد (۱۳۹۷). «شکاف‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی عصر مشروطه، شکاف قومیتی». فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۳۶-۱۰۵.
۱۶. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). تاریخ هشتادساله دانشکده فنی دانشگاه تهران. تهران: نشر نی.

۱۷. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵). **اصول علم سیاست**. تهران: امیرکبیر.
۱۸. مقتدایی، مرتضی و زیباکلام، صادق (۱۳۹۳). «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات». **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال دهم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۸-۷.
۱۹. وفایی، خسرو (۱۳۹۳). «توسعه سیاسی و سیاست مدرن: آسیب‌ها و چالش‌های توسعه سیاسی در ایران معاصر». **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال دهم، شماره بیست و نهم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۹۰-۷۵.
۲۰. نیکبخت، رحیم (۱۳۸۱). **جنبش دانشجویی تبریز (به روایت اسناد و خاطرات)**. تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت.
۲۱. یزدی، ابراهیم (۱۳۹۴). **شصت سال صبوری و شکوری**. تهران: کویر.
- ب: لاتین

22. Helen clark. (2012). **Human Development and International Justice**. w:UNDP. nov 19.
23. Han, S Park. (1984). **Human Needs and Political Development**. UMN.
24. Jemna, V & M. Curelaru, (2009). **Values and Students' Political Participation**, Journal for The Study of Religions and Ideologies, 8, (24).
25. Jensen, Mikael(2007). **Lifestyle: suggesting mechanisms and a definition from a cognitive science perspective**, springer science _ business media.
26. Koh.G. (1997). **Bureaucratic rationality in an evolving developmental state challenges to governance in singapore**. Asian journal.5.
27. Peter, Bunell. (2010). **Political Development**. Answer.21.